

دستر علیه حال و بیسوادی و عدت مانگی و خرافات بنا برده سگرد
 تکیه سخن سخن ادبی " دانشوران " و سپس " دانش گداه " و انت ر دوره
 کسانه حیدر دانش گداه (۱۹۱۱-۱۹۱۲) قده فسادت روزنامه ای بهار را تان ل...
 ادان گداه بر به است دکت انور و با محصلان ساعان و اوسان بر حده ایران - ایرج
 سعدی ^{دوره} رتید باسی محمد اقبال آستیا فی و دیگران در راه تجدد و احیات ادبی ایران و
 آستیا فی بر به تاریخ ادبیات و جهان آس ادبی اردما و آثار و فقه و علم و غیره
 حران به کارهای مانگی و در است " دانش گداه " با رعایت سراسر ادبی و شعریان
 برای ایجاد یک تحول فکری ادبی در ایران نقشه حاضر کرد و قدرت بهار در این مورد
 فراوانی کشیدنی است

دکتر انور و نال ایلوی را بخوبی می دانست و وزیر اثر از آن زمان به
 شهر و بیشتر باسی ترجمه نمود که از اصالت و ارزش هنری کارها بخواهد دار است
 تاریخ اقرب رسد که ایران را تا لب بهار ما را با یک سیدله حواد
 سکا و اهلی ^{الله} ایران ^{الله} و دیگر آثار آستیا سگد که اگر چه بهرگاه
 عالی از محدودیت آن نظری نیست باز اثری است از سگد
 سکا انور بهار با وجود آنکه نزدیک به سی سال در رسته روزنامه نگاری
 فعالیت کرد بهت سال در دانش گاه تهران تدریس زبان و ادبیات پرداخت
 در دهه بیخ دوره فتنه زندگی محسن سوزامی که گشت در است و مالاخره زمانی
 وزارت فرهنگ و زمانه دیگر ریاست جمعیت هواداران معراج را به عهده داد
 باز کار شایسته خود را طی پنجاه سال تا واپسین روزهای زندگی خود
 با حقوق و صدراتت کم نظر ادامه داد و باید گفت که بندگ انور
 با همه حد زمانه اهمیت و ادبی که داشت در درجه اول یک شاعر مبارز
 روزگار است

شعری که مانند مرغ سحر " نغمه آزادی نوع بشر " را سرود و سلف

ای آزادی ای فحشه آزادی

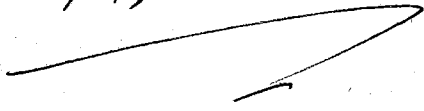
از وصل تو روی برنگردا تم

تا آنکه مرا به نزد خود خوانی

یا آنکه مرا به نزد خود خوانم

بشمار ^{میر} ~~میر~~ ^{میر} ~~میر~~ ای - کجا تو ای درود جاودانه !

رأه



شعر افغان دوست، دین پرست، و آزاد بخدا، که سگت

ای آزادی ای غمزه آزادی!

از وصل تو روی پرنگردام

تا آنکه مرا به نزد خود خوانی

یا آنکه مرا به نزد خود خوانم

شاعری که مانند "میر تقی میر" "نغمه آزادی" شعر را می سراید و در تلاش است
پرووی خدا را می بیند

ای جوانان غمزه خدا را

پرو دل و با شرف و زرک سار

باک سازید ز کمان دعا

حرم ملک وطن را بیدبار

استاد فقید شوایار (که در حدود ۱۳۰۰ در امرامصراع است) آنکه از

حوادث تاریخی و عمری زمانه که در آن تمامی خود است، پس افشادگی بود

پیرفت آید و زنها و پیروزهای مردم ایران نشکست است و بنا بر این بحالت اگر

گفته شود که بهار از زمره آل نرودان است که نیز را هرگز از اجتماع

جدا نماند و جدا اعتقاد است که ^{حقیقی} شعر باید و سلسله ای باشد بران بزرگانی

و سگوفانی زندگی مادی و نفسی انسان

حضرت سبک بهار خیار = از آنکه برانست حضورهای

مهری تو و آن اطمینان روز و عمر را در قاب شعر فلاسفه بود

قصیده گنجینه زبان تو بیت بهار در عین حال که قافری است

از سادگی اراده‌اش برخوردارند. باید در نظر گرفت که مجمع این دو مورد است
تقدیر آن چهار را نیز گویی شاعر در سه قرن اخیر ایران دیدار داشته و آفرین
قصیده برای بزرگ این سوره است.

بنا بر آنکه در ادب هرگز دچار ~~تعمق~~ ^{تعمق} و درنگ نباشد
لکن گاهی از نوادها می‌که در شعر فارسی از زمان محمد طه بیدر بر آید
استفاده کرد و گاه پیشقدم شد و ~~مستعد~~ ^{مستعد} در غزل سبک گذشت و
تصنیف کرد و قسری بکمال دو پیش از آن می‌م که ~~زمان~~ ^{زمان} از شکل شعری کاملاً
تاریک بود قطعات بسیار زیبایی مانند گویا آن من در مورد او آورد
قصی اصطلاح شعر نو -
در این سخن ~~توجه~~ ^{توجه} نو برداران امروز ایران ~~بشمار~~ ^{بشمار} ~~مردود~~ ^{مردود} نیز نخستین بار
در کتاب ~~تعمیر~~ ^{تعمیر} ~~ایران~~ ^{ایران} ~~گیا~~ ^{گیا} آورده شد.

بهار را می‌جو، اقدار الهی کن بیشتر تو
که در بخدمت ز شکر انوری و عرفی و جامی
نگر گر چه قد است خاطر را اگر بر نه
ز یاد ام بد آید ~~بسی~~ ^{بسی} ~~چشم~~ ^{چشم} یادان

این طرز برخورد ارادانه نسبت به اشکال و شیوه‌های نوین شعر، دلیل باری است
بر وسعت نظر بزرگان ما که سگقت شرفا پس و بی‌شرفقت همه جایند فریب مردم
~~این که در شعر و سخن ایران آورد~~
بزرگ شعرای باره خطاب بیشتر بزرگ بودی - انگ بند کوشش

قصی نگریه

بیافت عمر تو با روز حروقت با مان
گذرن بود صد و پنجاه سالک ای پرستش

روسی است که زندگی نام خداوند بخیرد ایران - در انرا ایام سیر بیان زندگی
تعداد

نحوه ای بود

x x x

۵۰۰

کو ۴ دسار ۱۶۷۱

اکثرن صدقعه ارشاد بهار - اقصاء حوازه خواهد شد